



فتو

گروه تروریستی پنهان شده
در پشت استشار دین



فتو

گروه تروریستی پنهان شده
در پشت استعمار دین





انتشارات ریاست سازمان امور دینی ترکیه :
کتاب های عمومی :

جمع آوری :
ریاست شورای عالی امور دینی
ریاست عمومی خدمات دینی

هماهنگ کننده :
دایره کل انتشارات دینی

آنکارا : آذر - ۲۰۱۹
۲۰۱۸-۳۵-Y-۰۰۰۳-۱۵۳۷
ISBN شماره ۹۷۸-۹۷۵-۱۹-۷۰۳۶-۷
چاپ اول.

تصمیم کمیسیون تحقیق کتاب
۱۸/۴۹ ر ۲۰۱۸

چاپخانه:

.....

© انتشارات ریاست سازمان امور دینی ترکیه

ارتباط با ما
دایره کل انتشارات دینی

Dini Yayınlar Genel Müdürlüğü
Yabancı Dil ve Lehçelerde Yayınlar Daire Başkanlığı
Üniversiteler Mah. Dumlupınar Bulvarı
No:147/A 06800 Çankaya/Ankara/TÜRKİYE
Tel: +90 312 295 72 81
Fax: +90 312 284 72 88
e-mail: yabancidiller@diyanet.gov.tr

فتو در ظاهر یک
فعالیت خدمات
دینی به نظر برسد
هم در واقع یک
«شبکه منفعتی» است
که با چهره مخفی
خود دارای اهداف
سیاسی، ایدئولوژیک
و اقتصادی میباشد در
عین حال یک «گروه
تروریستی» است که
با حادثه 15 جولای
ماهیت خائنش آشکار
گردید.

وقتی اقدام کودتای خائن 15 جولای¹ با لطف و مهربانی خداوند (ج)، با فراست دولت مردان و با دلیری ملت عزیز ما برهم زده شد، تمام جهان با روی ظلمت واقعی استثمار دین مواجه گردید. فتو (گروه تروریستی فتح الله گولن) یک سیستم استثماری است که در لباس دین با دروغ و حيله گسترش یافته، اسلام را برای منفعت خود از هر لحاظ مادی و معنوی دست ابزار قرار داده است. رهبر این گروه یاغی که سرگروه آن ملت مان را با دین خداوند (ج) فریب داد، بقاء دولت ما را مورد هدف قرارداد، اعتقاد و دنیای ارزش ملت عزیز ما را به هیچ گرفته، برای امیال محورهای خارجی از تیراندازی بسوی ملت خود دریغ نورزید.

این اثر، ساختار و گفتارهای فتو را که به تحریف اساسات عقاید، عبادات و اخلاق اسلام روی آورده است، مورد بررسی قرار داده و هدف آن ایجاد آگاهی و معلومات بیشتر در مقابل استثمار دین میباشد. زیرا شب 15 جولای که یک شب عبرت انگیز، پایداری و قهرمانی بوده بر ما تأثیرات عمیق را بر جای گذاشته

1 کودتای نافرجام ۲۰۱۶ ترکیه تلاشی بود توسط گروه تروریستی فتو، که میخواست با از میان برداشتن دولت قانونی و مشروع کشور ترکیه قدرت را به دست بگیرد. اما با فداکاریها و شهادت ملت ترکیه و دولت مردان آن، این کودتا به ناکامی انجامید. در نتیجه این کودتا 251 تن به شهادت رسیدند و صدها تن دیگر زخم برداشتند. و خسارات مالی زیانباری را نیز از خود بجای گذاشت.

بر عهده ما مسئولیت نجات یافتن، به خود آمدن و تصفیه حساب نمودن را گذاشته است.

استثمار دین چیست؟

«استثمار»، به معنای استثمار و از نیت نیک یک شخص یا یک گروه سوء استفاده نمودن است. «استثمار دین»، استثمار دین نمودن، با استفاده از مفهوم و ارزشهای مرتبط با دین، انسانها را فریب داده منفعت مادی یا معنوی بدست آوردن یعنی بخاطر منافع شخصی خود از دین سوء استفاده نمودن است.

در طول تاریخ بسیاری از اشخاص و گروهها با استفاده از تأثیرات دین که بر انسانها دارد، به دست آوردن منافع مختلف را امتحان نموده و از تجارت دین خوداری نکرده اند. این اشخاص و گروهها بعضا معنای آیات و احادیث را تحریف نموده در جاهای بی مورد استفاده نموده اند و بعضا هم آنها را به شکلی که ابزار دستی برای نیت بدشان قرار بگیرد تفسیر و به مردم تبلیغ نموده اند. بعضی کسان که دین را استثمار نموده اند مستقیما خود دین را هدف قرار داده اند و برای اینکه انسانها به اسلام گرایش پیدا نکنند تجرید نمودن مفاهیم دینی و فاقد معنا ساختن این مفاهیم را برای خود یک روش قبول نموده اند.

در زمانی که پیامبر ما حضرت محمد (ص) در قید حیات بودند، اعمار مسجد در مدینه به عنوان جایگزین

مسجد نبوی و ایجاد تفرقه در میان مسلمین یکی از نمونه‌های بارز استثمار دین است. این بنا ساختمان که به عنوان مسجد ضرار مسمی است در قرآن عظیم الشان چنین بیان شده است: « کسانی هستند که مسجدی بنا کردند برای فعالیت‌های زیان‌بار و کمک به کفر و تفرقه‌افکنی میان مومنان و کمین‌گاه برای کسی که از قبل با خدا و رسولش مبارزه کرده بود؛ این‌ها سوگند یاد می‌کنند که: « جز نیکی مرادی نداشته‌ایم» اما خداوند گواهی می‌دهد که آن‌ها مطلق دروغگو هستند.»² خدا (ج) با فرمودن: «هرگز در آن نهار مگذار» پیامبر ما را هشدار داد، این واقعه که در میان مسلمین راه تفرقه را هموار میکرد برای ما به عنوان یک نمونه بیان گردید که برای همیشه تا قیام قیامت لازم است تا در مقابل بروز هر نوع فعالیت‌های استثمار و فتنه‌گر بیدار باید باشیم. عکس‌العمل شدید پیامبر ما در مورد کسانی که این مسجد را اعمار نمودند نشان دهنده‌ی اینست در مقابل کسانی که امروز برای استثمار دین تلاش می‌کنند، چگونه باید برخورد نماییم.

در تاریخ اسلام ساختارهای که از براساس استثمار دین ساخته شده‌اند به مفهوم «نفاق» و شخصیت «منافق» به وجود آمده‌اند. عبدالله بن ابی بن سلول که به عنوان پیشگام فعالیت‌های تفرقه و نفاق معروف



است و منافق‌های که در اطراف آن جمع شده بودند برای اینکه وابستگی مدینه با حضرت محمد (ص) را به پایان رسانده و اداره آن را بدست خود بگیرند نقشه‌های خائنه را انجام داده‌اند. منافق‌های که ظاهرشان، پوشاک‌شان، نشست‌شان، برخاستن‌شان، عبادت‌شان، گفتار و رفتارهای‌شان را مانند مؤمن می‌نمایانیدند، برای رسیدن به اهداف نهایی که

منافقین که
سألهاست خود
را به عنوان
فدائیان محبت
معرفی می کنند،
پس ازین
اقدامات، همه ی
ما این واقعیت
را می دانیم که
در حقیقت هر
کدام آنها فدائیان
خصومت اند.

می خواهند به آن برسند از هرگونه روشی همچون
حیله، دروغ، تهمت، خیانت، دورویی، معلومات
مربوط به دولت را به دشمن آشکار ساختن و با
گروه دشمن همکاری داشتن، استفاده نموده اند.
فعالیت های نفاق حتی قتل حضرت محمد (ص) را
نیز در نظر گرفته برسر فروش سرزمینی که خود در
آن میزیستند چانه زنی کرده اند، در صورت لزوم از

یک گروهی که
بخاطر رسیدن به
امیال تاریک خود هر
راه را مباح دانسته،
احساسات دینی
و هیجان انساها
را استثمار نماید،
زکات، صدقه،
قربانی ملت را تاراج
کند، فرزندان را
از دستش بگیرد،
ارزش‌های اساسی
و مفاهیم دین را
تحریف نماید هرگز
نمی‌توان او را
یک جماعت دینی
توصیف کرد.

آلوده ساختن دستان‌شان به خون خودداری نکرده نه تنها جدایی‌های سیاسی را در عین حال افساد در عرصه‌های عقیده، عبادت، و اخلاق را نیز در اهداف خود جاداده‌اند.

در جوامع اسلامی اقدام فعالیت‌های نظامی با هدف برهم زدن نظام دولت مشروع و از میان برداشتن دولت‌مردان آن که به اتحاد و برابری ضربه وارد می‌کند، بعد از پیغمبر ما نیز همیشه ادامه داشته است. این گونه ساختارها با مفاهیم چون شورش کردن (بغی) و آنارشی (قطع الطریق) تعریف شده‌اند که مخالف دین و غیر مشروع بودنشان آشکاراست.

نباید فراموش شود فرصت‌طلبان که دیروز بودند، امروز نیز در پیشروی ما قرار دارند، نه تنها قرآن کریم را بلکه روایات حدیث، مثال‌های از زندگانی اصحاب کرام و شخصیت‌های تاریخی، ارزش‌ها و مفاهیم اسلامی را نیز استثمار نموده‌اند. بسیاری از اشخاص و گروه‌های که ظاهراً اسلام را با اسم‌های متفاوت، با مطبوعات و با گفتارها بیان می‌کنند در اصل بخطر منفعت و سود شخصی خود کار می‌کنند. این متقلبین که دعوای دعوت به اسلام را می‌کنند در واقع از احساسات صاف و پاک مسلمان‌ها سوءاستفاده می‌نمایند. با سفسطه‌های بی‌اساس مخالف با منابع اساسی اسلام، تناقض با عقل و منطق، با حکایات، با رؤیاهای، با وعده‌ی ثواب‌های دروغین مردم را فریب

داده پول‌های‌شان را، فرزندان‌شان را، وقت‌شان را حتی زندگیشان را می‌ربایند.

امروز موضوع استثمار دین، اتحاد و برابری امت اسلامی را تهدید نموده و به یک مسئله جدی امنیتی نیز مبدل گردیده است. گروه‌های تروریستی همچون فتو، داعش، القاعده، بوکو حرام دینی و مثل اسلام بودن خود را ادعاء نموده فساد می‌کنند و خون می‌ریزانند بدین طریق بزرگ‌ترین ضرر را به جوامع اسلامی، به اتحاد و همبستگی و آینده مسلمانان و به جوانان مسلمان رسانده‌اند.

آیا فتو یک جماعت دینی است؟

فتو در ظاهر یک فعالیت خدمات دینی به نظر برسد هم در واقع یک «شبکه منفعتی» است که با چهره مخفی خود دارای اهداف سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی می‌باشد در عین حال یک «گروه تروریستی» است که با حادثه 15 جولای ماهیت خائنش آشکار گردید.

فتو همانگونه که یک فعالیت مبتنی بر اساس برادری و نیت نیک به وجود نیامده و یک جماعت دینی هم نیست که برای آموزش، فهم اسلام و عمل به آن تلاش نموده برای اتحاد و برابری مسلمانان سرمایه‌گذاری کرده باشد. یک گروهی که بخاطر رسیدن به امیال تاریک خود هر راه را مباح دانسته، احساسات دینی و هیجان انسانها را استثمار نماید، زکات، صدقه،

قربانی ملت را تاراج کند، فرزندان را از دستش بگیرد، ارزش‌های اساسی و مفاهیم دینی را تحریف نماید هرگز نمی‌توان آن را یک جماعت دینی توصیف کرد. با وجود آنکه سالهاست خود را به عنوان فدائیان محبت معرفی می‌کنند، پس ازین اقدامات، همه‌ی ما این واقعیت را می‌دانیم که در حقیقت هر کدام آنها فدائیان خصومت‌اند.

هواداران فتو که تماماً خارج از رویکرد یک جماعت دینی حرکت می‌کنند، هم رهبر ظلمتشان، فتح الله گولن را و هم فعالیت او را مقدس می‌پندارند.

به ادعای آن‌ها یگانه گروهی که می‌تواند انسانیت را نجات دهد به عنوان «نسل طلایی» و «قدسیان دومی» نامگذاری کرده‌اند که متشکل از جوانانی هم تیپ که ذهن‌هایشان به اسارت درآورده شده است. بنابراین جهت هر راهی که آنها را به اهداف نهایی برساند مشروع می‌شمارند. با هیچ اعتنای عملی کردن بسیاری از اقدامات که مناسب حقوق و اخلاق نیستند همچون دزدی سؤالات امتحانات و تقلب در آنها، رشوه، واسطه، تهمت، از وظیفه برکنار نمودن، زندانی ساختن، از بین برداشتن، شنود مخفی، شانتاژ، متضرر ساختن، بدنام ساختن، به قسم واضح نشان‌گر آن است که آن‌ها یک جماعت دینی نیستند.



فتویک گروه تروریستی است که با نزدیک شدن پایان جهان معتقد به افزایش بدی‌ها بوده و بخاطر اصلاح آن برایش یک وظیفه مخصوص سپرده شده و برای اجرای اهداف مخفی خود به طرز پوشیده و پنهان تشکیل یافته است. هدف این گروه تروریستی در ترکیه، گسترش نفوذ خود به تمامی نهادهای دولتی و به ویژه به بوروکراسی‌های عالی، سیستم عدالت،

مقدس‌ات ما را زیر
پا کنند، در مقابل
قلب‌های سرشار
از ایمان و وطن
دوستی محکوم
به شکست و
سرافکندگی‌اند.



ادارات پولیس، ادارات نظامی و بعد از گذشت مدتی
به دست آوردن دولت جمهوری ترکیه بوده است.

در واقعیت این گروه منحصر به فرد نبوده و تشکل
جدیدی هم نیست. از گذشته‌ها تا به امروز در مناطق
مختلف جهان گروه‌های مشابه فتو وجود داشته‌اند.
سلسله مراتب آن‌ها، تغذیه و محافظت شدن آن‌ها از

جانب محرک‌های خارجی به عنوان یک خصوصیت مشترک جلب توجه می‌کنند.

آیا سرگروه فتو می‌تواند یک پیشوای محترم باشد؟

سرگروه فتو یک متفکر و عالم نیست او بخشی از یک پروژه‌ی است که توسط ابرقدرت‌های جهانی حمایت می‌شود. بیخرد و یک منحرفی است که عقل و دستاوردهای خرد را به مراکز شری سپرده است. در ابتدا با هویت واعظ امکان اداره نمودن احساسات دینی و اندیشه‌های اعضای گروه را بدست آورده و از استثمار چنین یک وظیفه و موقعیت ارزشمند امتناع نورزیده است.

گولن، سرگروه خائن، در اصل چقدر آیت و حدیث هم بخواند با اقتباس از کلاسیک‌های فرهنگی اسلامی سخنرانی هم نماید به عنوان یک عالم دینی نمی‌توان توصیفش کرد؛ به هیچ وجه نمی‌توان او را به عنوان پیشوای مذهبی دید. زیرا یک عالم دینی باید قبل از همه دین را مخصوص به خداوند (ج) دانسته با نیت‌های صمیمی به اجتماع الگو و راهبر قرار گیرد.

عالم دینی هیچگاه به نگرش‌ها و اعمال غیر اخلاقی مانند دروغ، فریب، حيله، دسیسه، دورویی و همانند آن‌ها که اسلام آن‌ها را از جمله‌ی «کبائر» یعنی گناهان

بزرگ شمرده است، متوصل نمی شود. مداخله و سوءاستفاده از شعار اسلام، اساسات عقاید و ارکان عبادات اسلام را نمی تواند قبول کند.

درحالیکه سرگروه ترور خارج ازین تابلو است. دارای یک شخصیت مریضی چون بزرگنمایی و عاشق قدرت می باشد، و همچنان او یک شخص متبرک نقاب پوشیده از تواضع بوده که خود را برگزیده، کامل و قادر به همه چیز می داند، بخاطر منفعت خود از پوشیدن انواع نقاب ها روگردان نیست، از اطرافیان خود قربانی و فداکاری بی حد توقع داشته، اعضا گروهی را که می خواست در تحت کنترل خود داشته باشد از نگاه اندیشه و احساسات، آن ها را از دنیای خارج منزوی ساخته است. در سخنرانی ها و نوشته های سرگروه، اغلب تبلیغ دین حاکم است. اما او این لسان دین را به عنوان ابزار استثمار به نفع گروهک استفاده می نماید. گفتارهای اسرار انگیز و مرموز خود را با نقش و نگارهای دینی پوشانیده، در ظاهر شخص محترم اما در عمل با یک متد رد کننده، آیات و احادیث را استثمار نموده است. در حالت عادی باید رهبر یک گروه دینی، نه به دانش، خواب و کشف های خود بلکه به عقلانیت و ارزشهای مشترک امت اعتماد نماید.

در حالیکه سرگروه فتو، برای اینکه هواداران خود را از معلومات اسلامی دور نگهدارد در مورد اسلام

هنگامی که در راه آموزش
سالم، متوازن و شفاف
دین در پرتو قرآن و
سنت مانع ایجاد شود،
انسان‌های که نمی‌توانند
ضرورت‌های معنوی خود
را رفع کنند و معلومات
دینی شان هم کافی
نباشد، این یک حالت
آماده سازی استعمار را به
خود میگیرند.

به شمول قرآن کریم از منابع صحیح اغلب بازداشته است. روابط آنها را از جماعت‌های دینی و طریقت‌ها و از جامعه‌ی الهیات قطع نموده صاحب دیدگاه‌های آزاد و ذهن‌های معترض را از گروه بیرون رانده‌اند.

فتو در کدام زمینه به وجود آمد؟

یک سری مسبب‌های است که ظهور فتو و گروه‌های مشابه آن در کشورهای اسلامی آماده ساخته است. تحت فشار قرار گرفتن زندگی دینی و به توقف شدن آموزش و تربیت دینی، در صدر این دلایل قرار دارد. در جامعه‌ای که آموزش دینی سالم، متوازن و شفاف داده نشود آنگاه انسان‌های که ضرورت‌های معنوی خود را نمی‌برطرف کنند و با کمبود معلومات دینی مواجه می‌شوند یک حالت باز به استثمار را به خود می‌گیرند.

در کشور ترکیه هم، خاصیت اقدامات منفی که در دبیرستان‌های امام خطیب³ و دانشگده‌های الهیات که دین اسلام را از راه منابع سالم و مستحکم آموزش می‌دهند، صورت گرفت، سبب شد تا کسانی که می‌خواستند فرزندان‌شان دین و اخلاق را بیاموزند به فتو و به گروه‌های مشابه آن رو‌آوردند.

3 نام عمومی مدارس دینی در کشور ترکیه



عرفان سر زمین هایمان
را حمایت کنیم که در
مدت صدها سال در
سر زمین اینجا شکل
گرفته و زندگی دینی
را نگه داشته است.
فضایل و عمق معنویت
اسلام را برجسته ساخته
و وحدت، برابری و
برادری خود را برای
همیشه حفظ کنیم.



تا وقتی که در پرتو قرآن کریم و سنت اصول عقاید، عبادات و اخلاق اسلامی به شکل متمم آموزش داده نشود، میان آمدن هویت‌های دینی ساخته اجتناب‌ناپذیر است. وقتی دیدگاه اهل سنت که مملو از متوازن، حکمت و استقامت است به نسل جوان آموزش داده نشود به میدان آمدن حقه‌بازهای که خود را پیغمبر و مهدی اعلان می‌کنند آسان‌تر می‌شود.

همچنان فتو نیز، این دوره‌ی محدودیت‌ها و فشرها را فرصت دانسته، نهادهای تعلیمی خصوصی و گروه‌های اجتماعی غیر دولتی باز نمود، آموزش دینی را به یک حالت وسیله استثمار تجارتي درآورد. فعالیت‌های آموزشی دینی گونه‌ی خود را به یک شبکه قدرت و منفعتی تبدیل نموده و یک گروه دنیوی، سیاسی و اقتصادی ایجاد نمود. این راه پرده انداختن آن بر روی هر گونه ارتباط‌های مخفی و کثیف خود، یک گناه غیر قابل بخشودنی است. فتو با این راه تنها در کشورما گسترش و توسعه نیافته، بلکه در کشورهای جمهوریت‌های ترکی آسیای میانه و ممالک افریقایی که سال‌های متمادی ممانعت دینی در آنجا وجود داشت و استعمار به راحتی حکم‌فرمایی می‌کرد، گسترش یافته و نفوذ بدست آورده است.

از جانب دیگر کسانی که حساسیت دینی داشتند سال‌های متمادی از نهادهای عامه و از ادارات رسمی به دور نگه‌داشته شده‌اند، که این حالت زمینه را برای

فتو آماده ساخت تا با هر گونه حيله و تقلب کارکنان خود را در نهادهای دولتی جابجا سازد.

ساختار تشکیلاتی فتو چگونه است؟

ساختار تشکیلاتی گروه تروریستی فتح الله گرا از دو بخش تشکیل یافته است. هدف این بخش تقسیم شده، در عوض پشت صحنه‌ی دنیای تاریک گروه، با تصویر معصومانه‌ی ظاهری آن، فراهم ساختن فریب انسان‌های است که دارای حسن نیت اند.

«ساختار باز»، از ساختارهای مشروع همچون مدارس، کورس‌ها، کودکان‌ها، انجمن‌ها، نهادهای پیشه‌ای، مؤسسه‌های تجارتي ملی و بین‌المللی، مطبوعات-انتشارات و ارگان‌های رسانه تشکیل یافته است. گروه درین ساختارها به عنوان «جنبش خدمت» و رهبر خیانت هم به عنوان «پیشوای قناعت» یاد می‌گردد. صورت ظاهر گروه برای جامعه، پرورش کارمندانی که با آموزه‌های سرکرده گروه مسموم شده‌اند و برای فراهم ساختن نیروی انسانی کار می‌کند. اولویت هدف آن‌ها جبراً و با فریبکاری، باشانناژ و مونتاژ یا هم با فشارهای معنوی پول‌های هموطنان را به تاراج بردن است.

«ساختار مخفی» به مانند مافیا بی نهایت سختگیر و قاطع، دارای یک سلسله‌مراتب بوده، بر اساس اسرار، رموز، فداکاری، نمایش شخصیت کاریزماتیک و تقیه

ساخته شده است. ادارات غیر دولتی، اکادمی، قضاء، اجرائیه، و اردو، عرصه‌های متفاوتی است که این شبکه مخفی تحت آنها را پوشش خود قرار داده است. در مرکز نقشه به شکل حلقه‌های داخل بر داخل این مدل تشکل گروه باطنی، سرگروه فتو قرار دارد و خود را در مقام «پیشوای کائنات» قرار داده است.

فتو از بالا به پایین به قسم طبقه‌ای گروه‌دهی شده در مقابل اینکه اگر احتمالاً بعضی از اعضا گروه کشف گردند به شکل زنجیره‌ای افقی وابسته به یکدیگر خود یک شبکه دیگر را ایجاد می‌نمایند، این ساختارها که هر یکی آن بایکدیگر خود گویا با آبی (برادر بزرگ) و آبالا (خواهر بزرگ) به شکل سه-سه تایی و پنج-پنج تایی باهم بستگی دارند که به مانند یک هشت پا جوانان، اطفال و انسان‌های خوب را در محاصره‌ی خود درآورده است.

این تشکل به اعضا خود با استفاده از اسم‌های کد، مخفی نگهداشتن هویت خود را امر نموده از چنانی که استند متفاوت بنظر رسیدن‌شان را فراهم ساخته است. این اساسی که در داخل گروه «تدبیر» می‌نامند و هدفی که «ما باید در هر مکانی باشیم» نفوذشان را به شمول نهادهای دولتی، در جامعه مدنی، صنعت، ادبیات، و جامعه ورزشی آسان‌تر ساخته است. هدف کارکنان‌های تاثیر گذار گروه که از جامعه کلا پوشیده و بسیار مخفیانه کار می‌کنند، یک

ادعای مبنی بر اینکه
سرگروه خائن از
خطا منزّه و بلا منازعه
است سال‌ها میان
اعضاء شایع شده
است. درحالی‌که
از نظر دین مبین ما
بجز از پیغمبران به
هیچ کسی نمی‌توان
صفت «عصمت»
یعنی محفوظ از گناه
بودن را اطلاق کرد.
بجز از پیغمبر شخص
دیگری را عاری از
خطا و معصوم قبول
نمودن، در واقع یک
بازی است که برای
این طرح‌ریزی گردیده
تا وابستگی به سرگروه
بدون چون چرا فراهم
شود.

دولت موازی را تشکیل و کشور را به دست آورده و به اداره قدرت‌های خارجی تسلیم نمودن است.

اساسی‌ترین ویژگی‌های فتو چیست؟

ساختارهای که در عرصه دینی مخفیانه و خارج از کنترل فعالیت نشان می‌دهند و خصوصاً آن عده ساختارهای که منابع مالی‌شان شفاف نباشد مطمئناً هرگونه ارتباط‌های مشکوک و تاریک را در داخل خود جا می‌دهند. ویژگی‌های اساسی فتو که در ذیل ذکر می‌گردد نشان‌گر این است که او به هیچ وجه دارای یک موقعیت محترم و قابل اعتماد نبوده است.

الف) طبقه‌های آشکار و مخفی گروه در داخل خود «از تشکلهای حجره‌وی خویش» به وجود می‌آیند. ارتباطی که در میان این‌ها وجود دارد با نام‌گذاری‌های سمپاتیک و معصومانه در بین مردم همچون «امام، آبی (برادر بزرگ)، آبل (خواهر بزرگ)» یاد گردیده و به واسطه موظفین حجره فراهم می‌گردد. موظفین که ارتباطات حجره را به اجرا در می‌آورند اعضاء خود را با گفتارهای همچون «اهل جنت»، «سیلی شفقت» انگیزه داده در ضمن با «همدستی در جرم» وابستگی اعضاء به گروه فراهم گردیده است.

ب) اجراء تعلیماتی که برای اعضاء گروه سپرده می‌شود بدون اینکه مورد بررسی قرار بدهند و در مورد عواقبش فکر کنند، اساس قبول می‌شود.

گروه در راه دین انحراف هدف نموده «اطاعت و تسلیمیت» که باید به جانب خداوند (ج) معطوف گردد به سرگروه شبکه خائن عطف گردیده است. درین مورد توقعات رهبر فتوی خائن بسیار زننده است:

«صداقت به معنای فداکاری نمودن از احساسات مادی و -معنوی فیوضات است. این هم بدون اینکه «چرا و برای چی؟» گفته شود رفتن به سوی هدف نشان داده شده را لازم می گرداند. «چرا؟» گفته سؤال نمودن به روح صداقت آسیب می رساند. اگر در چارچوب این صادق باشید:

1. آرزو و دیدگاهتان پرسیده شود، بیان می کنید. و اگر نه تسلیم می شوید.

2. وقتی با این هدف همراه هستید، اگر جنت را نشان داده «این است جنت» بگویند، شما باید «نخیر، باید ملاقات نمایم» بگویید.

3. هنگامی که: «اگر به این نقطه بیایید از دوزخ نجات میایید» بگویند هم، در مقابل شما باید چنین جواب بدهید: «نجات یافتن از دوزخ یک چیز بزرگیست با آنهم من باید ملاقات نمایم»⁴

فتو برای فراهم سازی اینچنین یک اطاعت مطلق بر اعضا خود در هر مرحله فشارهای مادی و معنوی مختلف را به وجود می آورد. بنابر لزوم دید موقعیت هر یک از اعضا هنگامی که دانش خود را، سرمایه و استعداد های خود را برای منافع گروه بسیج می نماید، از صدها هزار انسانی که یک بخش آن قربانی شده اند، یک بخش آن فریب خورده اند و یک بخش آن هم پروگرام شده اند، یک کار و جریان انرژی بزرگ فراهم می گردد.

ج) اندیشه «معصومیت رهبران» در داخل گروه ترویج یافته ادعای مبنی بر اینکه سرگروه از خطا منزه و بلا منازعه است سال ها میان اعضا شایع شده است. در حالیکه از نظر دین مبین ما بجز از پیغمبران به هیچ کسی نمیتوان صفت «عصمت» یعنی محفوظ از گناه بودن را اطلاق کرد. بجز از پیغمبر شخص دیگری را عاری از خطا و معصوم قبول نمودن، در واقع یک بازی است که برای این طرح ریزی گردیده تا وابستگی به سرگروه بدون چون چرا فراهم شود. اسلام، با ادعای معصومیت / بی گناهی که جانب آزادمنشی اسلام را از بین برده پیشنهاد بندگی برای بنده را داده؛ انسان ها را به یک موجود بی شعور، بی فراست، بی بصیرت، نابینا و ناشنوا به بار آورده است هیچگونه علاقه ی دور و نزدیک ندارد.

د) «خانه‌های نور» که نقطه‌ی کلیدی ساختار فتو است مکان‌های دارای سانسور و دروازه‌های آن بر روی تمامی مسلمان‌ها بسته می‌باشد. گروه، با جمع‌آوری جوانان درین خانه‌ها آن‌ها را از تمامیت مسجد قطع نموده ساختار متکی به «دعوت علنی» اسلام را نادیده گرفته است. در حالیکه دوره مکّه در زندگی پیغمبر محبوب ما (ص) دوره دعوت است که آشکارا و علنی صورت گرفته است. دوره مکّه را به عنوان منبع مشروعیت پنهانی، غیرقانونی و تقیه نشان داده بر مبنای آن نمی‌توان یک متد دعوت اسلامی را توسعه داد.

حضرت پیامبر (ص) به شمول دوره کوتاهی که مجبور شد تا فعالیت‌های خود را به طور مخفیانه ادامه بدهد او همیشه از خود مطمئن بود؛ هرگز بر اساس دروغ و فریب تاکتیکی را به وجود نیاورد که به واسطه آن دعوت به دین کند. به انسان‌ها بی‌عدالتی و ظلم ننموده، با غضب نمودن حق کسی کمک جمع‌آوری نکرد. برعکس همیشه در کنار مظلوم و بی‌چاره قرار گرفته و در مقابل استثمار، بی‌عدالتی و بی‌قانونی استادگی نموده است. ساختاری که متکی به پنهانی باشد، با فرهنگ علم و عرفان آناتولی که هرکسی را خواسته باشد همراه با مدرسه‌ها و درگاه‌هایش در آغوش خود گرفته است، نیز در تضاد قرار دارد.



این باور که [درهر عمل کرد رهبر «حکمتی» و «تایید الهی» نهفته است] در داخل این ساختار منفور چنان ریشه دوانیده که تلاش برای به وجود آوردن قداست بر شخص رهبر خائن به یک تکبر مشترک تبدیل گردیده است. اعضا گروه کسانی را که با آن در ارتباط اند مؤمن خالص، خارج از آنها را به احتمال دید نیک به عنوان «مؤلفة القلوب» نگریسته و اساس «مومن ها همچون دندانهای یک شانه با هم مساوی اند» را آشکارا زیر پای نموده اند.

ز) مهم‌ترین انحراف گروه که آن را از اساس بدنه‌ی اهل سنت جدا می‌سازد، «از آنچه که هستی متفاوت به نظر برس» یعنی بر عملکردهای «تقیه» بی‌باکانه اجازه دادن است. هنگامی که اعضاء فتو قدم‌های غیر مشروع برمی‌دارند «تقیه» یکی از تاکتیک‌های اساسی آن‌ها است که آن را مورد اجرا قرار می‌دهند و این از اندیشه «هر راهی که به هدف می‌رساند مباح است» تغذیه می‌گردد. نتیجه طبیعی این، تایید بسیاری از اعمال خارج از اخلاق همچون دروغ، دورویی، ریا، مخالف باورهای خود حرف زدن و زندگی کردن، میباشد. اعضاء گروهی که همیشه نیت واقعی خود را مخفی نگه می‌دارند، بخاطر رسیدن به اهداف خود از اخلال هیچ مرزی روگردان نیستند و حدیث «حرب حيله است»^۵ را استثمار نموده گویا اتکاء برای خود ساخته‌اند.

در حالیکه پرنسبب تقیه که از جانب اهل تشیع پذیرفته شده و عملی می‌گردد، از دیدگاه اهل سنت بجز از تهدیدهای حیاتی که خطر مرگ را داشته باشد به طور مطلق ممنوع قرار داده شده است. در رابطه به حيله‌ی که در جنگ اجازه داده شده است در مقابل دشمن قابل اعتبار است. در غیر آن استفاده مسلمان‌ها از حيله و دروغ مسلمان‌ها بر علیه یکدیگرشان هرگز جایز نیست. درین مورد سخنان حضرت محمد (ص)



جوانانی که در داخل گروه
زندانی شده‌اند «فامیل‌های‌شان»
مثل یک رقیب حتی دشمن
شان داده شده ارتباط‌شان
با خویشان وندان‌شان قطع می‌گردد
و عروسی آن‌ها در چوکات
زنجیر فرمان صورت می‌گیرد.

بسیار واضح است: «آنانی که ما را فریب می‌هند از ما نیستند»⁶

ر) گروه تحت تاثیر رهبران متکبر در پوشش نقاب تواضع، دارای ساختاری است که تمامی مسلمان‌های بجز از خود را، گروه‌های دینی و جماعت‌ها را رد و تحقیر میکند. این باور که [در هر عمل کرد رهبر «حکمتی» و «تایید الهی» نهفته است] در داخل این ساختار منفور چنان ریشه دوانیده که تلاش برای به وجود آوردن قداست بر شخص رهبر خائن به یک تکبر مشترک تبدیل گردیده است. اعضاء گروه کسانی را که با آن در ارتباط اند مؤمن خالص، خارج از آنها را به احتمال دید نیک به عنوان «مؤلفه القلوب» نگریسته و اساس «مومن‌ها همچون دندان‌های یک شانه با هم مساوی‌اند» را آشکارا زیر پا نموده‌اند.

رهبر فتو چنین می‌گوید: «ما نمی‌توانیم بگوییم اینکه تقریباً هر مؤمنی که در آخر زمان زندگی کند و به خداوند (ج) ایمان بیاورد شامل این لطف و مهربانی هم می‌شود. اما با گذشتن آن حضرت (ص) از تمامی جماعت‌های که از 14 قرن به این طرف وجود داشته‌اند و مهربانی خاص نمودن ایشان به جماعتی که در آخر زمان از دین حمایت می‌کند، تقدیر خواهید نمود که این بر مبنای «خصوصیت‌های» خاص است. یک جماعتی که تحت چنین یک مسئله‌ی بااهمیت درآمده

است و اگر این را انجام بدهد، بدون شک پیامبر ما (ص) قدردانی مناسب خود را نشان خواهد داد و دست خود را به این جماعت از عصر خود دراز خواهد کرد و به آنها «سلام باد!» خواهد گفت.⁷

س.) گروه در تلاش است تصمیم‌های شخصی، رابطه‌های فAMILI، آموزش‌های اطفال، سرمایه‌گذاری‌های مادی خلاصه تمام سرمایه‌ی «عمومی و خصوصی» هر فردی را که با آن در ارتباط است در تحت کنترل خود داشته باشد. ذهن‌ها را با روش مثل در تحت فشار قرار دادن، نمایش محبت، هیپنوز، انکار، مغشوش ساختن عقل و از جامعه تجرید نمودن، شست و شوی می‌کند. به آن‌ها نگرش‌های همچون سازگاری با گروه، وابستگی نشان دادن به رهبر بدون چون و چرا، از افکار جدید و متفاوت دوری جستن، بی‌ارزش دانستن مسلمان‌های که خارج گروه‌اند، را تلقین میکند.

ص.) فتو هویت‌های اعضاء خود را از جوانی سرکوب نموده احساسات «وحدت و منسویت» آن‌ها را از بین می‌برد. جوانانی که از جانب فAMILI‌شان بخاطر آموزش دینی شامل مدارس گروه می‌شوند، نخست باور و شعور مربوط بودن به فAMILI‌ها و خویشاوندان خویش را، بعد به کشور خود و اجتماع خود را و در نهایت به امت اسلامی را از دست داده‌اند.

7 خرمن ذهن- پریزما 7، ص 81-85.

این جوانان که از مهم‌ترین منسوبیت خویش جدا کرده می‌شوند، در نتیجه‌ی تلقین‌ها تنها برای انجام دادن خواهشات رهبر گروه، پروگرام گردیده به حالت غلام‌های حلقه به گوش درمی‌آیند. به جوانانی که در داخل گروه زندانی شده‌اند «فامیل‌های‌شان» مثل یک رقیب حتی دشمن نشان داده شده ارتباط‌شان با خویشاوندان‌شان قطع می‌گردد و عروسی آن‌ها در چوکات زنجیر فرمان صورت می‌گیرد.

چنانچه که رهبر گروه در یک تبلیغ خود می‌گوید:

«مؤمنی که به خداوند (ج) و رسولش ایمان دارد به راحتی هر کسی که به او مقاومت کند که اگر پدر، خواهر، برادر، عمو، خال و خویشاوندانش هم باشد باید بداند که از آنها بگذرد!» بعد از آن با استعمار آیه 22 سوره مجادله که در آن از موضع‌گیری در مقابل کفار سخن گفته شده است، در عوض آن اینگونه پیام می‌دهد: «بخاطر این دعوا حتی به پدرت، به مادرت، به برادرت نباید گوش فرا دهی!»⁸

فتو چه کسی و چه چیزها را استعمار نمود؟

در اسلام، دعوت به خداوند (ج) و به راه مقدس پیامبر ما (ص) صورت می‌گیرد. با استفاده از نام خداوند (ج) و نقش‌های دینی روابط منفعت را به

وجود آوردن، بزرگترین بی‌احترامی در مقابل دین است. استعمار دین واقعی است که مفاهیم را لکه‌دار ساخته، ارزش‌ها را فرسوده می‌نماید، مسلمان‌ها را فریب داده و از هر لحاظ از آن‌ها سوءاستفاده می‌کند. از نظر اسلام هیچ شخصی نمی‌تواند عقل، اراده، و استقلال خود را بدون قید و شرط به شخص دیگری تسلیم کند. نمی‌تواند بجز از رضای خداوند (ج) امکان‌های مادی، قدرت، مقام، وقت و دستاورد خود را بخاطر منافع اشخاص و گروه‌ها به مصرف برساند.

فتو بر عکس این همه اصول حرکت نموده، قسمی که دیده می‌شود در تاریخ یکی از بزرگ‌ترین گروه استعمار دینی را ایجاد نموده است. ارزش و مفاهیمی را که گروه استعمار نموده است می‌توان چنین بیان داشت:

الف. فتو اسماء، صفات و آیت‌های خداوند متعال را استعمار نموده است.

اعضاء گروه معتقداند که رهبرشان مستقیماً با خداوند متعال ملاقات می‌کند، ازین نگاه سخنان او را از سخنان همه‌ی انسان‌ها برتر می‌دانند.

در تاریخ 07/04/1991 میلادی سرگروه گروه در محله کارتال دریک تبلیغ خود هنگامی که از بیعت سخن می‌گفت قدرت خداوند (ج) را آشکارا چنین استعمار می‌کند: «دست خود را بالای دست خود

گذاشتم، گفتم: یا رسول الله این را از جمله‌ی دستان دوستانم بشمار. کسانی که آن دست را می‌گیرند، گیرندگان دست خدا به شمار می‌روند. این جماعت همچون نیت گرفتن دست خدا را نموده‌اند.»

یکی از سخنان عاری از اخلاق و ادب او که گویا نزدیکی‌اش به خداوند متعال را بیان می‌کند چنین است: «در مورد عرش و کرسی تا زمانی که بر اساس استفهام سؤالی پرسیده نشود ترجیح می‌دهم که سخن نگویم. برای اینکه این‌ها را به مانند ناموس خدا تلقی می‌کنم. چگونه که در مورد زیر لباس یکی از نزدیکان زیر لباس یکی از نزدیکان بسیار محرم حرف نزّم، از عرش و کرسی هم نمی‌خواهم سخن بگویم.»⁹

در اینجا این فرموده قرآن کریم را باید به خاطر سپرد: «او فریب‌دهنده (شیطان) شما را نسبت به خداوند (ج) فریب ندهد.»¹⁰ ما را متوجه ساختارهای می‌سازد که می‌توانند با استفاده از نام خدا (ج) انسان‌ها را فریب بدهند. از نگاه قرآن کریم، خداوند پیام‌های خود را از راه وحی یا الهام به پیامبری که برگزیده، به حضرت مریم، به مادر حضرت موسی و به حواری‌ها فرستاده است.¹¹

9 از فصل تا فصل 1، انتشارات نیل، ایزمیر 1995، ص 45.

10 لقمان، 33/31.

11 آل عمران، 54-42/3؛ مائده، 111/5؛ طه، 39-37/20؛ شوری، 51/42.

حرف زدن خداوند متعال بجز از پیامبران و کسانی که نام‌های‌شان تذکر یافت غیرواقعی و امکان‌پذیر نیست.

ب. فتو آیت و احکام قرآن کریم را استعمار نموده است.

سرگروه منحرف و مجنون گروه، در تاریخ 03/06/1990 میلادی در شهر ارزوروم در یک تبلیغ خود مثل اینکه هیجان‌زده شده باشد قرآن را بالای جماعت پرتاب نموده و درین هنگام با صدای بلند فریاد نموده چنین گفت: «از قرآن حمایت کنید! از رسول‌الله حمایت کنید!»

در تاریخ 31/03/1991 در پندیک در تبلیغی که موضوع آن «افق قدسیان» بود بعد از اینکه می‌گوید این قدسی‌ها عبارت از پیامبرما (ص) و اصحاب‌ش می‌باشند، سپس با گفتن «قدسی‌های دومی» از یک گروه یادآوری نموده می‌گوید که آن‌ها در آخر زمان خواهند آمد. با گفتن «قدسی‌ها» هواداران خود را شکوه و عظمت بخشیده و در مورد اینکه قدسی‌ها شاهدان خداوند این آیه کریمه را گویا به عنوان دلیل نشان می‌دهد: «کسانی که انکار می‌کنند می‌گویند: «تو پیامبر نیستی.» تو بگو: «کافیست که میان من و شما خدا و یکی هم کسانی که در نزد خود علم کتاب (قرآن) دارند گواه باشند!»¹²

سرگروه ترور به قدری در تحریف به پیش می‌رود که روح آمده به حضرت مریم را حضرت محمد (ص) عنوان می‌کند. در آیه 17 سوره مریم چنین فرموده شده است: «مریم» برای مصروف شدن با عبادت» خود را از فامیل و از دیگر انسان‌ها تجرید نمود. ما روح خود را (فرشته وحی خود را) بسوی او فرستادیم. روح به شکل یک مردی خوش اندام برایش نمایان گردید.»

رهبر تشکل خائن این آیت را چنین استثمار می‌نماید: «آیا این روح چه بود؟ تقریباً به اعتبار اکثریت همه‌ی تفسیرها روحی که در آیه کریمه «روح خود را فرستادیم» ذکر شده آن روح را جبرائیل گفته‌اند. اما درین جا قرآن تعبیر «روح» را استفاده می‌کند؛ در تعیین روح اختلاف وجود دارد. مرزهای احتمال، بیشتر از چارچوب اختلاف است؛ به اندازه‌ی وسیع است که حتی روح پیامبر ما را هم دربر می‌گیرد. بله، این هم محتمل است؛ زیرا حضرت مریم یک زن بسیار عفیفه و نزیه‌ی بود. ازین نگاه، خیالی بجز از این در چشمانش دیده نشده بود و نباید هم دیده می‌شد. به سوی او تنها کسی که حلالش باشد باید نگاه می‌کرد. آنهم نمی‌تواند بجز از پیامبر ما (ص) دیگر کسی شده باشد زیرا او اشارت می‌فرمود که، از نسبتی حضرت مریم با او عقد نکاح بسته است.

فتو مفاهیم معتبر
مربوط به فرهنگ
و تمدن اسلام را،
با هدف استفاده
از مؤثریت
آن، بسیاری از
مفاهیمی که هر
یکی آن دارای
ارزش‌های
جداگانه است
همچون «امام،
آخوند صاحب،
جماعت، خدمت،
همت» را استعمار
نموده برای از میان
برداشتن آن تلاش
به خرج داده است.

ازین نگاه هم آن روح، امکان احتمال وجود دارد که روح پیامبر ما باشد.¹³

در حالیکه علماء اسلام کلمه «روح» که در آیه کریمه ذکر میشود به عنوان جبرائیل تفسیر نموده‌اند. همچنان آیه 45 سوره آل عمران به این مفهوم وضاحت داده بیان می‌کند که فرشته‌ی آمده، فرشته‌ی است که به حضرت عیسی مژده داده است. با آیه‌های واضح قرآن بدون پدر به دنیا آمدن حضرت عیسی حقیقتی است که همه می‌دانند.

ج. فتو، احادیث و شخصیت معنوی پیامبر را استثمار نموده است.

سرگروه استثمار دین، عشقی را که مسلمان‌ها نسبت به پیامبر داشتند استثمار نموده و تلاش کرده‌است تا از اقتدار رسول خدا سوءاستفاده نماید، در تبلیغ‌های خود اغلب ذکر می‌کند که حضرت پیامبر در شهر ایزمیر آمده و در میان جماعت گشت و گزار نموده آن‌ها را بررسی می‌نماید.

مثلاً در تاریخ 09/07/1979 میلادی در تبلیغ خود چنین می‌گوید: «اشخاص روشن دل و باطن صاف صد بار در عالم منام (در عالم خواب) شاید هم در یقظه (در بیداری) «من به ایزمیر می‌روم، هوای آن‌جا را می‌بینم.» گفتن فخر کائنات را شنیده‌اند.

« برای من در انا تولی احتیاج است، برای گشت و گذار بر آمدم» گفتن فخر کائنات ما را شنیده‌اند. به مساجد شما می‌آید. به جوانانی که روی خود را به جای نمازهای هموار در زمین می‌گذارند، نگاه می‌کند. هیجان‌های سال‌مندان‌تان را از نظر می‌گذرانند. به قوام رسیدن یا نرسیدن جماعت خود را نگاه می‌کند.»

سرگروه فتو ادعا می‌کند که او همیشه با حضرت پیامبر ملاقات می‌نماید، مشورت نموده و از آن دستور می‌گیرد. از استفاده روایت‌های جعل شده به عنوان حدیث در تبلیغ‌های خود نیز غفلت نمی‌ورزد. این تاجر دین، بی‌وجدان به اندازه‌ی به پیش می‌رود که می‌گوید: «خدا با من سخن گفت: «درست، بخاطر محمد کائنات را خلق کردم؛ اما بخاطر تو به آن ادامه می‌دهم...»

تکان‌دهنده‌ترین مثال استثمار پیامبر در سریالی بنام شفقت تپه بود که از تلویزیون گروه به نشر پخش شد، در آن حضرت پیامبر را به شکل پرتویک نور نشسته در عقب کامیون به تصویر کشیده بودند. از نظر دین ما صرف نظر از هر هدفی رسم و مینیاتوری کردن از پیامبر، او را تمثیل نمودن جایز نیست. این گونه یک تصویر، هم از نظر حقوقی یک جرم بوده و هم از نگاه اخلاقی یک اخلال جدی محسوب می‌شود.

د. فتو حکایات زندگی اصحاب کرام را استثمار نموده است.

رهبر فتو در تبلیغ‌ها و کتاب‌های خود اغلب در مورد رابطه حضرت پیامبر (ص) با اصحابش بحث نموده این رابطه را و با رابطه‌ی که خود با هوادارانش دارد را باهم مقایسه می‌کند. سرگروه ترور پیروان خود را که «قدسی‌های دومی» می‌نامد، در یک سطح قرار دادن موقعیت خود با مقام و منزلت حضرت پیامبر شرم و حیا ندارد.

در تاریخ 03/06/1990 میلادی در شهر ارزروم در یکی از تبلیغ‌های خود با ذکر حدیث «این دین، غریبانه شروع شده است و دوباره به حالت اولی‌اش باز خواهد گشت»¹⁴ ادعا می‌کند که گروه خودش حلقه دوم این غریب‌ها می‌باشد. سپس با بیان اینکه یک دست رسول‌الله بر سر اصحابش بوده و دست دیگرش بر سر جماعتش می‌باشد، مدعیست که پیامبر ما به آن‌ها نیز اصحابم خطاب نموده است.

در تاریخ 10/04/1997 میلادی در تبلیغ دارای عنوان مسئولیت خود این گونه می‌گوید: «خدا با ماست. رسول اکرم با ما است. ساکنان ملائ‌اعلی بسوی این جماعتی که در روی زمین برای زنده ماندن و نابود شدن مبارزه می‌کند، نظر می‌اندازد.

به مثل اصحاب بدر. یا این جماعت از بین می‌رود و به آخر می‌رسد یا هم طالع معکوس انسانیت را در روی زمین تغییر خواهد داد. در روی آسمان کف‌زنی شروع خواهد شد؛ نگاه‌های حزین فرشته‌ها به تبسم انقلاب خواهد نمود.»

ر. فتو عبادات را تحریف و استثمار نموده است.

فتو برای منفعت خود حتی با عباداتی که سمبول اسلام به شمار می‌رود بازی نموده است، دنیای مفهوم عبادات را تجرید و شکل ادای آن‌ها را تحریف کرده است. مثلاً این فتوا در بین گروه وجود دارد، نمازی که روزی پنج وقت و با شکل خاصی باید ادا گردد در وقت مناسب به شکل دسته‌جمعی پی‌درپی یا هم قلباً با اشاره می‌توان آن را ادا کرد یا هم بعداً قضاء آن را خواند. به قضاء روزه رمضان در یک وقت مناسب خارج از این ماه اجازه داده شده است. به فرض نبودن حجاب حکم داده شده است، نکاح متعه که از جانب پیامبر ما تا قیامت به طور واضح ممنوع قرار داده شده است،¹⁵ به راحتی میان اعضاء گروه صورت می‌گیرد.

فتو که زکات، صدقه، قربانی ملت را به یغما می‌برد تحت نام همت، گویا با کمک‌ها آرزوی عبادت و شعور بندگی انسان‌ها را نیز استثمار می‌نماید. قداماتی که در

15 مسلم، نکاح، 21.

گروه دیده شده است این است که با جمع آوری پول از بسیاری اشخاص گویا به حضرت محمد (ص) قربانی ذبح می گردد، در واقعیت با چنین راه کمک های مادی برای گروه فراهم می شود. در حالیکه اینگونه اقدامات بی اساس در دین ما بدعت است، ضلالت است.

این موضوع برای همه هویدا است که فتو از قبل ها هواداران خود را مجبور به پرداخت مالیات می کرد از بسیاری ثروت مندان گاهی با رضایت خودشان و گاهی هم از راه فشار و شانتاژ زیر نام زکات درآمد مادی بدست می آورد. به وسیله ی تهدید و فشار تحصیل زکات به یک طرف، صرف آن در جاهای که مستحق نیست از جمله مهم ترین موضوعات اساس استثمار بشمار می آید. زکات های جمع آوری شده در جای که قرآن معلوم کرده است مصرف نگردیده است، در جهت اهداف گروه به شکل غیر اصولی به برنامه های تلوزیونی در فعالیت های لابی گری و کمپین های انتخاباتی دیگر کشورها، در نمایندگی و کارهای مهمان نوازی، در جلسه و فعالیت های سفری به مصرف رسانیده شده است. پول های که بخاطر قربانی جمع آوری گردیده، برای امیال خائنانه حیف و میل شده، صدقه های که به نام فقرا و یتیم ها جمع آوری گردیده و بورسیه های که بنام شاگردان داده شده اکثرا به جایش نرسیده است.

فتو فعالیت‌های تعلیمی به ظاهر دینی
خود را به یک مرکز قدرت و منفعت
تبدیل نموده است و این فعالیت آن تنها
در کشور ترکیه گسترش نیافته، بلکه
از کشورهای جمهوریت‌های ترکی
آسیای میانه شروع تا ممالک افریقایی، به
واسطه استثمار دین نفوذ نموده است.



ص. فتو مفاهیم اسلامی را استثمار نموده است.

فتو مفاهیم معتبر مربوط به فرهنگ و تمدن اسلام را، با هدف استفاده از مؤثریت آن، بسیاری از مفاهیمی که هر یکی آن دارای ارزش‌های جداگانه است همچون «امام، آخوند صاحب، جماعت، خدمت، همت» را استثمار نموده برای از میان برداشتن آن تلاش به خرج داده است.

این مفاهیم که اغلب در سلسله‌مراتب و فعالیت‌های گروه مورد استفاده قرار می‌گیرد با گذشت زمان تغییر معنا داده شده است. با وجود آن که در واقعیت این مفاهیم مربوط به فرهنگ اسلام است، اما محتوایش تغییر داده شده استفاده آن با معناهای مربوط به گروه فراهم گردیده است. این وضعیت، سبب شده است تا مفاهیم مورد بحث، هم اعتبار خود را در جامعه از دست بدهد و هم در نتیجه بحران اعتماد، دیگر مورد استفاده قرار نگیرد.

س. فتو دعا را و دعای بد را استثمار نموده است.

دعای رهبر خائن از دیدگاه اعضاء گروه مقدس قبول می‌شود، دعای بد آن به عنوان نقوش ترس و اطاعت در ذهن‌ها حک شده است. بعد از 17 ماه دسامبر در شروع مخالفت گروه با حکومت، دعای بد به عنوان یک اسلحه، مورد استفاده قرار گرفت،

به شمول سرگروه، همراه با سانس‌های دعای بد خود به مسلمان‌ها لعنت خوانده و نفرین نموده است.

در حالیکه فعالیت و شکنجه‌های مشرکین مکه در جهت مخالفت با مسلمان‌ها حالت غیر قابل تحمل را به خود می‌گیرد صحابه‌ها از رسول خدا می‌خواهند تا دعای بد ننماید اما او خود را با بیان فرمودن اینکه «نه بخاطر لعنت بلکه برای رحمت فرستاده شده است» دعای هدایت می‌کند.¹⁶ و باری هم هنگامی که بخاطر دعوت، به طائف می‌رود حتی در مقابل معامله‌ی بدی که برایش صورت می‌گیرد دعای بد ننموده برعکس برای هدایت آن‌ها دعا می‌کند.¹⁷ حضرت پیامبر ما که دعای بد را برای امت خود ممنوع قرار داده است در زندگی خود تنها یک بار پس از اینکه اصحابش خون‌خوارانه شهید می‌شوند مشرکین ظالم را دعای بد می‌نماید. تبدیل شدن این موضوع به یک حرکت جمعی لعنت در جهت برادران دینی خود هرگز با دین ما سازگار نیست.

ف. فتو هیجان فداکاری به اسلام و انرژی جوانان را

استثمار نموده است.

گروه، جوانان باهوش و با استعداد را در کشور و در جغرافیای اسلام دنبال نموده، باورها، ایده‌آل‌ها، افق‌ها و رویاهای آنها را ربوده است. رهبر گروه،

16 مسلم، پر، 85، 87.

17 مسلم، جهاد، 104.

احساسات دینی جوانان را با اشک‌های خود، با منقبت‌ها، با حکایات دروغین، با کرامت‌های ساخته استثمار نموده است.

فتو فعالیت‌های تعلیمی به ظاهر دینی خود را به یک مرکز قدرت و منفعت تبدیل نموده است و این فعالیت او تنها در کشور ترکیه گسترش نیافته، بلکه از کشورهای جمهوریت‌های ترکی آسیای میانه شروع تا ممالک افریقایی، به واسطه استثمار دین نفوذ نموده است.

گویا با تبلیغ و نصیحت نزدیک گردیده در رابطه به امید آینده هزاران انسان جوان را غارت نمود، اطفال ما را که می‌خواستند به دین نزدیک شوند به شبکه‌های خیانت گرفتار و مورد هدف قرار داده است. گروه برای امیال مخفی خود از استفاده ابزاری ارزش‌های این سرزمین در رأس مولانا و یونس امره بزرگان علم و عرفان آناتولی روگردان نبوده با آن که خود را به مثل کلافه‌ی شفقت و محبت نشان دهد هم در اصل خانه خشونت و خیانت بودنش را در 15 جولای به نمایش گذاشت.

گفتارهای مخالف اسلام فتح‌الله گولن سرگروه فتو

رهبر فتو در گفتارهای متناقض، غیراصولی و بی‌اساس خود بسیاری از موضوعاتی را که امکان پذیرفتنش از نگاه اسلام وجود ندارد بر زبان می‌آورد. بسیاری از معلومات غلط و دیدگاه‌های منحرفی که هرگز با قواعد باور، عبادت و اخلاق اسلام سازگاری ندارد در میان گفتارهای خود به طور خائنانانه جابجا ساخته است. این خائن در ظاهر از ایمان و فضیلت سخن می‌زند، مثلاً در یک سخن‌رانی خود قاقچاق آب و استفاده آب را ناجایز دانسته می‌گوید: در صورت که کسی چنین عملی را انجام دهد باید از 60 میلیون شخص دانه-دانه بخشش بطلبد.¹⁸ با این حال با دزدی نمودن سؤالات امتحانات، نه تنها به سرقت دارایی انسان‌های موجود بلکه به سرقت آینده نسل‌های آینده نیز تشویق نموده است. در این جا ادعاهای انحرافی و درک دین منحرف که سرگروه شوم آن را ایجاد نموده است، در ذیل با اخذ جمله‌های نمونه از ضبط صداها، ویدیوها و کتابها ذکر می‌گردد.

الف. ادعای امکان دیده شدن خداوند (ج) در دنیا

« این موضع‌گیری آن شخص در مقابل حرام یک نتیجه مهم را نیز همچون مشاهده جناب حق به ثمر

خواهد رسانید. این مشاهده چنانچه که در آخرت ممکن است در این دنیا نیز امکانش وجود دارد.¹⁹

«خدا لطف و مهربانی‌های خود را که بر ما دارد به وسیله رویاها عنایت می‌فرماید یا به واسطه‌ی قلب‌های صاف با کمک «یقضه‌ها» در دل ما می‌نهد، با بسیاری از صحابه، اولیاء و مقربین در رأس با حضرت پیامبر ما زمینه دیدار و ملاقات را فراهم می‌سازد.»²⁰

ادعای دیدار آن با خدا تقریبین هر روز و هر لحظه انعکاس‌دهنده‌ی دنیای ذهن بیمار آن است. در حالیکه ابراز قرآن کریم خداوند متعال با انسان‌ها تنها به واسطه پیامبرهای شان سخن می‌گوید. ارتباط پروردگار ما با انسان‌ها تنها از راه وحی است. آخرین وحی به آخرین پیامبر حضرت محمد (ص) آمده است. هیچ پیامبری بعد از پیامبر ما نخواهد آمد. ازین جهت کسی این ادعا را نمی‌تواند بکند که با خداوند (ج) صحبت کرده، یا او را با چشمان دنیوی خود دیده و پیام‌های الهی در کنترل وی می‌باشد.

ب. ادعای درارتباط بودن دایمی با حضرت محمد (ص)

«در ابتدا به طور پوشیده عرض کردم و اکنون به طور واضح بیان می‌نمایم. به مسجدی که نماز می‌خواندیم می‌آمدیم. راوی می‌گوید: جمعیت گروه

19 ملاحظات راه، انتشارات نیل، ایزمیر 2008، ص 80.

20 پریزما 1؛ انتشارات روزنامه زمان، استانبول 1997، ص 205

گروه داخل می شدند. من نیز داخل می شدم. در آن اثناء که در زینه های جایی همچون سکوی مسجد قرار داشتم، گفتند رسول اکرم که به جماعت ما تشریف آوردند. بسوی محراب نزدیک می شد، به خطیب دایمی مسجد جامع پیشنهاد تبلیغ نمودند، یا رسول الله آیا این امکان دارد در جای که شما باشید، افتخار بخشیدند، در مقابل محراب نشستند. جماعت پر جوش گردید.²¹

«هنگامی که به رسول اکرم تقدیم کرده شدم سخنانم یک هویت جداگانه به خود گرفت. سخنانم در پیشگاه جماعتی یک هویت جداگانه بخود بگیرد هم هیچگاه نفاق خود را از یاد نکشیدم. به نام خودم اگر پیشانی خود جلو برده به رسول اکرم بوسانیده باشم، آن را به نام خودم و قرآن و به نام خادمان ایمان انجام دادم. در پیشگاه جماعتی، موجودی در مقابل قطمیر اصحاب کهف نبودم را از یاد نبردم... در آخر زمان پروردگارم با انفاس و تنفسات خود به انسانیت نفخ خواهد نمود اگر مرکب مسیح کرد، آن را افتخار خواهم دانست مجذوب به امیدی که همراه با آن به جنت داخل خواهم شد.»²²

سرگروه فتو با ادعای اینکه همیشه در خواب و در غیر خواب با حضرت پیامبر (ص) ملاقات داشته امر و تعلیماتی که به اعضاء گروه می دهد از حضرت

21 09/07/1979 شب برات مسجد جامع ایزمیز-حصار، دقیقه: 57:33

22 خطبه ها - 1 (03/10/1978) نماز 8، دقیقه 16 ود.

پیامبر دریافت می‌نماید، با این راه انسان‌ها را فریب داده جایگاه رسول‌الله را استثمار نموده است.

ج. ادعای ملاقات با فرشتگان و جنیات

«برای شما اگر بگویم من هر روز با یک جن ملاقات می‌کنم دروغ نگفته‌ام. اینچنین هزاردانه در میان شما است. من اگر بگویم «انسان‌های است که با ملائکه کرام ملاقات می‌کنند» دروغ نگفته‌ام. در میان جماعت مومن اینقدر وجود دارد. انسان اگر بگوید چندین مراتبه همراه با روحانیت رسول اکرم علیه الصلوات والسلام ملاقاتم بود، دروغ نمی‌گوید.»²³

ادعای ارتباط با موجودات غیر مرئی عالم غیب، روش در کنترل درآوردن مردم با راه ترس و احترام بوده است، در داخل گروه تنها از جانب سرگروه استفاده نمی‌گردد از جانب بسیاری از کسانی که وصف مدیریت را دارند نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

د. ادعای ملاقات با بزرگان اسلام که در گذشته‌ها زندگی کرده‌اند.

«برای شما یک مشاهده را به عرض برسانم. قبلاً عرض نمودن این چنین چیزها را از کرسی مسجد نمی‌خواستم. اما نمی‌توانستم التفات سماء را، التفات

23 مقدمه، در تبلیغ هدف و متود، دقیقه، 04:50.

رسول خدا را از شما پنهان کنم. قطمیر از خدمت دور است.... اما جبرا برده شود خدمت می‌کند.... به شما نتیجه‌ی اینگونه جبرا برده شدن را به عرض می‌رسانم: چندی از دوستانم «تو همراه من باش» گفته بودند، برای دیدن جای یک مدرسه، جای یک دانشگاه، و یک عرصه، من را هم با خود گرفته در جایی رفتند.... یک جای علف‌زار و سنگ‌زار بود. در میان آن علف‌زارها چند انسانی نشسته بود. انسان‌های نورانی بودند. تصمیم گرفتند تا نزدشان بنشینم. به نزدشان رفتیم، من اجازه خواستم. گفتم شما کی هستید، که پیشوای تابعین حسن بصری هستید. در آن‌جا ابوحنیفه نعمان بن ثابت بود. جلال‌الدین رومی بود. انسان‌های مختلف بزرگ عصر در یک‌جا گرد هم آمده چارچوب نقشه دانشگاهی را که شما می‌خواهید آن را اعمار کنید در عالم معنی طرح‌ریزی می‌کردند.

وقتی این امام‌های مهم را که مهم‌ترین خصوصیات ظهور جدید شما را گردهم آورده‌اند، در یک‌جا باهم دیدم خصوصاً این موضوع را به توجه شما به عرض می‌رسانم. برای اینکه چارچوب خدمت شما و وضعیت جدید شما را به شکل کامل پیشکش کنند اجتماع این هیئت در خطی که از حسن بصری تا مولانا گسترش یافته است برای شما بسیار با اهمیت است. وقتی جرئت پیدا کردم پرسیدم: آیا ما چگونه خدمت انجام می‌دهیم؟ حسن بصری گفت همه باید توجه

نموده گوش فرادهند، شما چنان یک خدمتی را در میان گذاشتید که از خدمت صحابه‌ها فرقی ندارد!»²⁴

رهبر تشکیلات خائن احترام مردم ما را که به گذشته‌ها، تمدن و بزرگان خود دارند فرصت دانسته در سخنرانی‌های خود ادعا دارد که خودش و افرادش به شمول اصحاب، مهمترین چهره‌های تاریخ اسلام را در حالت خواب و یقظه ملاقات می‌کنند. چرخ منفعتی را که خود ایجاد نموده است اهل علم و عرفان از آن دیدن نموده، فعالیت‌هایش را بزرگان اسلام حمایت می‌نمایند، ابراز چنین چیزی بیش از یک بهتان و تهمت بزرگ چیزی دیگری نیست.

ر. ادعای خبر آوردن از غیب

«امسال به حج رفتم. وقتی در عرفات به خواب رفتم دو شخصی که در تن لباس سبزرنگ داشتند از آسمان فرود آمده در میان خود صحبت نمودند. به سخنان‌شان گوش دادم. دیدم که یکی از دیگرش چنین سؤال نمود: «امسال چند تن به حج آمد؟» دیگرش جواب داد: «600.000 تن به حج آمدند.» این بار همان شخص می‌پرسد: «خداوند از میان این‌ها حج چندتن را قبول فرمود؟» آن‌هم در جواب می‌گوید: «خداوند تنها حج شش تن آن‌ها را قبول نمود.»²⁵

24 امام و فعالیت 1-، دقیقه 28:47 ود.

25 تبلیغ‌های صوتی 5، حج 1-، 20/10/1978، دقیقه 49:50 ود.

سرگروه گروه به مانند اسرار حرف‌ها ادعاهای را پیشکش نموده و از بعضی بیان‌های آیات، تاریخ‌های مختلف را بیرون آورده در مورد آینده به پیش‌گویی‌ها می‌پردازد. ادعا می‌کند که در مورد غیب معلومات دارد یعنی اینکه در رابطه با عالم‌های که با عقل و حواس قابل ادراک نیست و در مورد آینده معلومات می‌دهد، این خود گمراهی آشکارا است. این است که بر طبق قرآن غیب را تنها خداوند (ج) می‌داند.²⁶ بجز از پیامبرانی که برای‌شان از جانب خداوند (ج) معلومات داده می‌شود، هیچ کس از انسان نمی‌تواند از غیب خبر بیاورد.

س. اخبار جعلی ساخته شده از خواب‌ها

«مثلاً بعضی اشخاص، یک موفقیتی را که بعدها به دست می‌آورند، از قبل‌ها در خواب‌های خود می‌توانند ببینند و سؤالات امتحانی را که در آن داخل می‌شوند با تمامی جزئیاتش می‌توانند مشاهده کنند.»²⁷

در یک لطف او روح‌ها فدا شوند. من شاهد اشخاصی شدم که در خواب خود حضرت پیامبر (ص) ما را دیده پیامبر ما با دست خود او را لمس نموده، نوازش داده، دوان دوان به نزد من آمده، به

26 انعام، 59/6؛ هود، 123/11.

27 جوانان اندازه‌گیری الماس 6-، از فصل تا فصل، انتشارات مشتبو، 2011، ص 120.

مثل دیوانه آماده‌ام از نگاه مادی تمام چیزی‌های که دارم به تو بدهم»²⁸

«در سالهای 1978 بود. لباس‌هایم خیلی جمع شده بود. شام وقتی می‌شستم خیلی خسته‌ام ساخت. لحظه‌ای با خود گفتم «آیا باید ازدواج می‌کردم؟» قطعا به شکلی نبود که فکرش را می‌کردم، یک فکری به سرعت آمد و رفت رعد و برق بود. فردای آن روز یک دوست صبح وقت آمد و به من این را نقل کرد: شب در خواب خود حضرت پیغمبر ما را دیدم. به تو سلام گفت و فرمود: روزی که عروسی می‌کند خواهد مرد و به جنازه‌اش نخواهم آمد.» این یک خواب بود. می‌دانستم که با خواب نمی‌توان عمل کرد، اما برای شخص خود تلاش نمودم تا به این اشارت احترام بگذارم.»²⁹

رهبر گروه خائن، تنها از منابع سالم معلومات اسلام استفاده ننموده، برعکس از خواب‌های که اثباتش ممکن نیست، از حکایات مرموز، اشک‌های دروغین و تلقین‌ها استفاده می‌نماید. انسان‌های معصوم را فریب داده افسون نموده است، یک ذهنیت بیمار را به وجود آورده، امر و تعلمیات خود را متکی بر خواب‌های که گویا پیامبر را دیده است می‌کند. علاوه بر آن دفعات خواب‌های تخیلی را که مثالش بی‌شمار است به

28 سلطان محبت، دقیقه 42:40.

29 دنیای کوچکم، ص 63.

عنوان اینکه هوادارانش را متاثر و راه احیای لذت‌های معنوی موهوم را در آن‌ها ایجاد کند، در جلسات مخفی گروه به کار برده شده است.

در حالیکه رویاهای مخالف قرآن و سنت چنانچه که دارای ارزشی نیست خواب‌های غیرمخالف نیز از نگاه دین کدام تکلیف شرعی ندارد. چونکه از دید عالمان حتی برای شخص خواب دیده حساسیت به وجود بیاورد هم، از حیث پیش‌برد کار و رفتار مسلمان‌ها ارزش حکم را ندارد. شخصی خوابی را که ندیده به مثل اینکه دیده است بیان کند از جانب حضرت پیامبر (ص) به عنوان «بزرگ‌ترین دروغ‌ها» توصیف شده است.³⁰

ص. پروژه گفت‌وگو بین ادیان

«اشغال کشور شما از جانب صلیبی‌ها بسیار خطرناک نیست. زیرا در میان شما و آن‌ها خط‌های سرخ وجود دارد. یکی اینکه آن‌ها با زن‌های شما، با دختران شما کاری ندارند. به معبد شما کاری ندارند صلیبی‌ها مداخله نکرده‌اند.»³¹

برای اینکه توجه و حمایت افکار عمومی غرب را بدست آورد کثیف‌ترین اقدام از جانب فتوای ایجاد گردیده گفتار «گفت‌وگوی بین ادیان» و «اسلام

30 بخاری، تعبیر، 45.

31 (20/8/2016) 29

معتدل» است. این گفتار یک بخشی از پروژه تاریک بین‌المللی است که در علیه مسلمان‌ها ایجاد گردیده است. شبکه استثمار برای اینکه به اعضاء دیگر دین‌ها خوب به نظر برسد و منفعت مادی به دست بیاورد با عوض نمودن بعضی از اصول اساسی اسلام سال‌ها سرمایه‌گذاری کرده است. به اندازه‌ی که، پیش‌نهاد گردیده که برای مسلمان شدن فقط کافیت قسمت نخست کلمه شهادت «لا اله الا الله» را به زبان آورد و کسانی که به حضرت محمد (ص) ایمان نیاورده‌اند می‌توانند به جنت داخل شوند. دیده می‌شود که در روند گفت‌وگو، به شکل دیده و دانسته کلمه شهادت تقسیم گردیده و تنها قسمت نخست آن برجسته ساخته شده و از قسمت «محمد رسول‌الله» عدول شده است.

رهبر فتو برای خوشنودی محور قدرت مسیحیان توانسته است چنین اظهار نظر کند: «یکی برخیزد بیاید و بگوید که: من ازین مسیحیت دست برداشتم. در این مسیحیت هیچ چیزی وجود نداشته است. من به آن می‌گویم که: تا این دم که پیرو آن بودی چی بدی دیدی از مسیحیت؟ آن باید کمی بیشتر تحقیق کند، درهم و برهم کند، آن مسئله را بیابد ترجیح خود را نماید. یعنی من هم برای شخصی که وقتی برای من چنان بگوید و آن مسئله را باز کند من هم چنین جواب خواهم داد.»³²

32 صحبت‌های صوتی-1 / نقطه درد 01-10 (نفس‌های غربت) نقطه درد 2/6،

دقیقه ود.

خیانت‌های آن در راه منفعت خود می‌تواند به کدام حد برسد را نیز به طور واضح چنین بیان می‌کند: «درین راه شاید هزار بار فریب خواهیم خورد، هزار بار از پی کار بی مفهومی و مجهول خواهیم رفت، صدها هزار بار به خادمان کلیسا بسیار خوب خواهیم گفت و آب تعمید را آب حیات گفته خواهیم نوشید.»³³

سرگروه فتو در تاریخ 9 فبروری 1998 میلادی نامه‌ی که شخصا به پاپ نگاشت در آن چنین گفته است: ما به عنوان یک جزء این ماموریت شورای گفتگوی بین ادیان اسقف‌های واتیکان (PCID) که از طرف پاپ ششم شروع گردیده و ادامه دارد در اینجا حضور داریم. آرزو مندیم که شاهد تحقق این ماموریت باشیم. به شکل عاجزانه‌ترین حتی با کمی جرئت، در راه اجرای این خدمت بسیار ارزشمند، برای پیشکش متواضع‌ترین کمک‌های خود به پیشگاه شما آمدم.»

هیچ شکی وجود ندارد که در نزد خداوند (ج) دین حق اسلام است. بدون آسیب رسانیدن به آزادی دینی اعضا دیگر ادیان، با آنها در صلح زندگی کردن اصل بوده هر کاری که به نفع انسانیت تمام می‌شود می‌توان در یک زمینه‌ی مشترک باهم کمک و همبستگی نمود. اما در زیر نام گفت‌وگوی بین ادیان تلاش شود که

برای تمام ادیان یک علوم الهیات یا اتحاد فرهنگ دینی ایجاد گردد به هیچ عنوان قابل تایید نمی باشد.

نباید فراموش شود گروهی که در کارهای گفت گوی بین ادیان به جامعه مسیحی با دید تسامح دیده و با آن ها روابط گرم برقرار می نماید و در مقابل مسلمان های که با آن ها نپیوسته اند یک رفتار تند، انحصارطلبانه و بیگانه شمردن را به نمایش می گذارند. مثل اینکه کاملاً برعکس آیه 29 سوره فتح این رفتار را می توان به عنوان «درمقابل مسلمان ها سخت گیر و در مقابل کافران مهربان» خلاصه کرد که کلاً فاقد شعور و حدت می باشد. فتو گفت و گوی صمیمی را که با مسیحیان ایجاد نمود آن را از گروه های مسلمان دریغ نموده از برادران دینی خود همیشه دوری جسته است.

با فتو و با تشکیلات مشابه آن چگونه مبارزه کنیم؟

• قبل از همه چهره ی استثمار دین که به ترور تبدیل گردید اقدام کودتای نامردانه 15 جولای آن نشان داد که هیچ قدرتی بالاتر از قلب های پر از عشق الهی و محبت وطن نیست. کسانی که هدف شان با خاک یکسان نمودن دولت، از بین بردن ملت و در زیر خاک کردن امید امت اسلامی باشد محکوم به رذالت و ذلالت اند. نباید

فراموش کنیم که لطف و عنایت خداوند (ج) همراه با مسلمان‌های صمیمی است که همیشه در کنار مظلوم، ستم‌دیده و مهاجر بوده‌اند.

• این تجربه دردناک ما را به طور جدی خاطرنشان ساخته است که ما باید در مقابل اشخاص و گروهی که مقدسات ما را در جهت منافع خود سوءاستفاده می‌کنند هوشیار باشیم. در مقابل حرکت‌های جدای طلب نفاق و شورشگر که می‌خواهند از راه مذهب و مشرب کشور ما را بسوی فتنه و فساد بکشانند به یک دل و یک تن بودن خود ادامه بدهیم. در مقابل لطف و مهربانی خداوند متعال که ما را از بزرگ‌ترین فلاکت نجات داد بی‌اعتنا نباشیم؛ از یک طرف با حمد و شکر به پروردگار ما ایمان خود را مستحکم بسازیم، و از جانب دیگر اتحاد و تمامیت خود را حفظ کنیم.

• دین مبین ما کتابی دارد که «حتی یک حرفش هم تغییر نمی‌خورد» قرآن آخرین کتاب الهی است و خداوند متعال بعد از قرآن هیچگاه و هیچگونه وحی نمی‌فرستد. این دین مبین پیامبری دارد که صاحب وصف «به‌ترین الگو» است. بجز از آن ادعای هیچ یک از انسان مبنی بر اینکه خود را معصوم و از خطاها محافظت شده بداند و تلاش کند تا خود را به جای او فکر کند قابل

قبول نیست. خداوند (ج) برای ما یک عقل، یک قلب ارزانی داشت. ما به عنوان مسلمان‌ها لایتنیغیرها، اساسات تغییرناپذیر، ارزش‌ها، تجربه سالم 14 صدساله را داریم. فراموش نکنیم که یک مسلمان تمامی این‌ها را کنار گذاشته نباید عقل، ادراک، وجدانش را به یک شخص دیگر یا گروه تسلیم کند.

• اسلام دینیست که به اهمیت استفاده از علم، حکمت و عقل تاکید نموده، لزوم بازپرس قراردادن را آموزش داده، در مورد عالم موجودات و آیت‌های که فرستاده شده است تفکر و اندیشیدن را توصیه نموده است. در مقابل کسانی که انسان‌ها را دعوت به کورکورانه تسلیم شدن بر یک ایدئولوژی می‌کنند باید همیشه این اساسات اسلام را در ذهن خود داشته باشیم.

• جریان‌های تصوفی که به اصول اساسی اسلام و به راه اوسط امت عمل می‌کنند، در دنیای اندیشه و تمدن ما، مکتب‌های عرفان و حکمت‌اند که برای برجسته ساختن اخلاق، ادب، ظرافت و انسانیت تاسیس شده‌اند. تشکیل‌های که فعالیت‌های دینی و علمی نموده و به کارهای نیک تلاش می‌ورزند تا زمانی که از خط قرآن و سنت نگذرند و به پذیرفته‌های فرهنگ ما آسیب نرسانند هر یک آن‌ها ثروت محسوب می‌شوند.

اما همیشه باید متوجه باشیم که این‌ها باید شفاف، قابل کنترل و حساب دهنده باشند، موجودیت آنها بر اساس منافع خود نبوده برای خدمت به ملت ما و انسانیت بوده باشد. به آن عده ساختارهای که گفتارهای گویا اسلامی خود را با سخنان اسرارآمیز خود تزئین بخشیده هدف اصلی‌شان عشق عبادت انسان‌ها را استعمار نموده منفعت به دست می‌آورند، پاداش فراهم نکنیم. کسانی که می‌خواهند دین را از راه کرامت، خواب، الهام و حکایات تحریف نمایند همیشه به طور دقیق متوجه باشید که هدف این‌ها ضرر رسانیدن به عرفان‌بُندار آناتولی است.

• دین صمیمیت است. لازمه صمیمیت اینست که باید یک شخص مؤمن در اهداف خود هیچگونه هدف دنیوی نداشته و در پی مقام و قدرت نباشد، تنها بخاطر به دست آوردن خوشنودی خداوند (ج) وظایف بندگی را بجا بیاورد. هرکسی که بر این عقیده بود که بعضی از مسلمان‌ها از مسلمان‌های دیگر متفاوت و «برگزیده»‌اند و جماعتی که خود در آن اعضا است بالای دیگر جماعت‌های مسلمان به عنوان «یک جماعت برگزیده» قبول نماید، باید بدانیم که آن شخص، یک راه غلط را در پیش گرفته است. فراموش نکنیم با وجود تمام تفاوت‌ها

تمام مسلمان‌های که جهت خود را بسوی کعبه می‌کنند با هم برادراند.

• هر وظیفه را که بردوش می‌گیریم معیارهای اساسی اسلام همچون «عدالت، امانت، شایستگی، ولایت» را اساس قرار بدهیم. به نفع خود یا به نفع نزدیکان خود کسی را به مقام و کارمندی که حقش نیست توجیه نکنیم. مذهب، مشرب، منطقه، قومیت و هیچ یک از روابط را از لیاقت و شایستگی مهم‌تر دانسته سبب ترجیح خود نگردانیم. باید مانع رفتارهای غیر اخلاقی و حقوقی همچون دزدی سؤالات، سرزدن به راه‌های فریب کارانه، شانتاژ و تهدید، شویم.

• تنها راه پیشگیری از گرایش به گروه‌های که بر مبناء استثمار دینی بنا شده‌اند با گسترش معلومات دینی سالم و کافی در جامعه امکان پذیر است. از تعلیم دین مبتنی بر قرآن و سنت، از آموزش اخلاق و معنویات هرگز بدیل قایل نشویم. جای‌گزینی درک درست دین ملزوم به تلاش طولانی، دقیق و با صبر است. برای پروریدن یک نسل پیرو قرآن کریم و سنت، مخالف با دیدگاه‌های که امت محمدی در آن اتفاق نظر ندارند، دور از جریانات نوظهور، متوازن و دانا، همه‌ی ما باید سعی و تلاش خود را بخرج دهیم.

• گروه‌های که دین را استثمار می‌نمایند در عموم تلاش دارند تا توده‌های جوان را که اعتماد بنفس ندارند، دارای افکار آزاد و منحصر به فرد نیستند، موضع‌گیری هویتی و شخصیتی آن‌ها سلب گردیده است، به وجود بیاورند. بنابر همین اساس بچه‌های خود را از شروع آموزش قبل از مدرسه، تعلیم و تربیه آن‌ها را با دقت کامل در نهادهای قانونی که یک شخصیت سالم و ارزش را تلقین نموده و آن‌ها را به عنوان یک انسان بنده‌ی نیک و اخلاق زیبا ببار آورد، فراهم بسازیم. باید متوجه فرزندان خود باشیم که آن‌ها را به کی سپردیم، با کی‌ها دوستی می‌کنند، اوقات خود را در کجا می‌گذرانند، چه مطالعه می‌کنند، در اینترنت و دنیای مجازی داخل کدام شبکه‌ها می‌شوند. فراموش نکنیم جوانانی که از محبت، توجه محروم می‌مانند خطر فریب آن‌ها به کانالهای معلومات دینی منحرف بالا است.

• با دیگر اعضاء ادیان در زیر چتر صلح و آرامش زندگی کردن و روابط انسانی برقرار نمودن، وظیفه‌ی است که اسلام بر دوش هر مسلمان نهاده است. اما فعالیت‌های «گفت‌وگوی بین ادیان» یک دام سیاسی و ایدئولوژی بوده که با استثمار این حالت انسانی، در جهت ایجاد یک نسل جدید بی‌باور تلاش دارد تا دیگر ادیان را

با اسلام در یک آتشگیره حل نموده و یک دین مختلط بوجود بیاورد. باید دانست در جامعه‌ی که زندگی می‌کنیم با تمام اعضاء ادیان باید روابط حسنه برقرار نماییم، اما این را هم باید بدانیم اهدافی که تلاش می‌نمایند به باور «اسلام آخرین و دین برحق است و حضرت پیامبر (ص) نیز آخرین و پیامبر برحق است»، آسیب برسانند، عاری از هرگونه نیت نیک‌اند.

• بدون اینکه تسامح کنیم، هدف خود را منحرف بسازیم، به معلومات غیر معتبر راه بدهیم، دقیق و فداکارانه گام برداشته بخاطر بقاء و آینده دولت، برای آرامش و سلامتی جامعه با استثمار دین مبارزه نماییم. نه فریب‌دهنده و نه هم فریب‌خورنده شویم! همراه با هموطن عادی خود، با انسان‌های روشن فکر خود، با کارمند دینی خود، با نویسندگان خود، با هنرمندان خود، با آکادمیسین‌های خود همه با هم مسئولیت خود را در مورد فهم و درک درست دین و عمل به آن را ادا نماییم.

